

بررسی تطبیقی هنجارگریزی در دو جریان شعری حجم‌گرا و رمانتیک معاصر فارسی و تبیین هنری آن (بیژن الهی و حمید مصدق)

چکیده

شاعران برای برجسته‌کردن اثر خود با خروج از هنجارهای معیار، دست به هنجارگریزی ادبی می‌زنند. این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای و اسنادی، سروده‌های دو شاعر، براساس مؤلفه‌های هنجارگریزی از نظر (لیچ)، معرفی و بررسی گردید. بر این مبنا، بعد از معرفی شش عنصر برجسته‌سازی و هنجارگریزی (نحوی، زمانی، معنایی، واژگانی، سبکی، نوشتاری، گویشی، آوایی) به تحلیل مؤلفه‌های هنجارگریزی در اشعار شاعران مذکور پرداخته شد که ملاک این انتخاب، میزان برخورداری از این مؤلفه‌ها، تکرار و بسامد پرکاربرد و برجسته آن‌ها بود. شاعرانی که این مؤلفه‌های هنجارگریزی در سروده‌های آن‌ها مورد تحلیل و پژوهش قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: بیژن الهی و حمید مصدق. این شاعران در بهره‌گیری از یک یا چند مؤلفه از عناصر هشت‌گانه از نظر (لیچ)، تعمد و یا تبحر داشته‌اند که در سروده‌هایشان نمود و جلوه یافته است. بر این اساس، هنجارگریزی‌های معنایی، نحوی و زمانی بیش از هنجارگریزی‌های دیگر در سروده‌های این شاعران کاربرد داشته است که این مؤلفه‌ها به تفکیک در اشعار شاعران مذکور بررسی گردید. کاربرد این هنجارگریزی با تکیه بر زیبایی‌بخشی در ماهیت بر جنبه هنری این اشعار افزوده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مؤلفه‌های هنجارگریزی در سروده‌های بیژن الهی و حمید مصدق و تبیین هنری آن.
۲. معرفی شش عنصر برجسته‌سازی و هنجارگریزی به تحلیل مؤلفه‌های هنجارگریزی در اشعار شاعران مذکور.

سوالات پژوهش:

۱. شاعران به چه دلیل، دست به هنجارگریزی ادبی می‌زنند؟
۲. مؤلفه‌های هنجارگریزی در سروده‌های بیژن الهی و حمید مصدق و تبیین هنری آن چگونه بوده است؟

کلیدواژه‌ها: هنجارگریزی، شاعر حجم‌گرا، بیژن الهی، شاعر رمانتیک، حمید مصدق.

مقدمه

ادبیات، اتفاقی است که در زبان رخ می‌دهد. در حقیقت، کارکرد زبان در ادبیات، متفاوت و دیگرگونه است و همین باعث می‌شود که متن ادبی با متن غیرادبی متفاوت باشد. به عبارت دیگر، تفاوت، یک متن ادبی با یک متن غیرادبی، در نحوه کاربرد زبان است. یکی از شگردها و شیوه‌های ادبی کردن متن، برجسته‌سازی و آشنایی‌زدایی است که با عدول از هنجارهای حاکم بر زبان است. برجسته‌سازی عبارت است از به‌کارگیری عناصر زبان به‌گونه‌ای که شیوه بیان جلب‌نظر کند؛ و غیرمعارف باشد. برجسته‌سازی انحراف از زبان معیار است، هنگامی که یک عنصر زبانی برخلاف معمول به کار می‌رود و توجه مخاطبان را به خود جلب نماید. موکارفسکی برجسته‌سازی را فرایندی آگاهانه می‌داند و در اندازه فرایندی، آگاهانه‌تر به کار گرفته شود، از خودکاری کم‌تری برخوردار است. در فرایند برجسته‌سازی باید عواملی چون انسجام، نظام‌مندی، رسانگی، انگیزش و زیباشناسی مورد توجه قرار گیرد که البته از بین این عوامل دو اصل «رسانگی و زیباشناسی» اهمیت بیشتری دارند (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۰-۳۶).

برجسته‌سازی یا به شکل قاعده‌افزایی یعنی افزودن چیزی بر برونه زبان مانند وزن‌های عروضی، یا به شکل هنجارگریزی یا قاعده‌کاهی یعنی حرکت از حالت هنجار و معمول زبان و آفریدن صورت‌های بدیع، شکل می‌گیرد (مظفری، ۱۳۹۲: ۵۲). هدف غایی برجسته‌سازی آفرینش سازه‌های ادبی در محورهای جانشینی و همنشینی کلمات است، آفرینش زیبایی ادبی، خود فرایندی گسترده و پیچیده است که در گرو ذهن خلاق است، این ذهن خلاق است که دست به خلق برجسته‌سازی می‌زند. ادبیات، هنر آرایش و پیرایش کلام است؛ به‌نحوی که صورت آن زیباتر و پیام آن تأثیرگذارتر گردد. گوینده به‌طور ارادی و آگاهانه از صورت‌های ویژه زبانی استفاده می‌کند و زبان روزمره و دهیار را دگرگون می‌سازد و اصطلاحاً با این روش دست به عمل برجسته‌سازی صورت‌های زبانی می‌زند و در نهایت به وادی ادبیات و کلام موزون وارد می‌گردد. نخستین‌بار صورت‌گرایان و فرمالیست‌ها بحث «برجسته‌سازی» را مطرح نمودند و نظریات گوناگونی در این مورد ارائه دادند. از جمله این افراد می‌توان اشکوفسکی و موکارفسکی - نظریه‌پرداز مکتب پراگ - و بعدها لیچ - زبانشناس انگلیسی - را نام برد. لیچ در رویکردی زبان‌شناسی به بررسی شعر انگلیسی، هنجارگریزی را از ابزار شعر آفرینی می‌داند. وی هنجارگریزی و قاعده‌افزایی را دو مجرای اساسی و کلی برای برجسته‌سازی کلامی می‌خواند. به بیانی دیگر «لیچ دو گونه از برجسته‌سازی را ممکن می‌داند: ۱- انحراف از قواعد حاکم بر زبان خودکار ۲- قاعده‌افزایی، البته شفيعی کدکنی انواع برجسته‌سازی را به دو گروه موسیقایی و زبان تقسیم می‌کند» (دزفولیان، ۱۳۸۴: ۵۶). فراهنجاری (سامان‌گریزی، قاعده‌کاهی، هنجارگریزی) گریز از قواعد حاکم بر زبان هنجار و عدم‌مطابقت و هماهنگی معانی با زبان خودکار است. اگرچه منظور از فراهنجاری نمی‌تواند هر گونه گریز از قواعد زبان هنجار باشد، زیرا بعضی از هنجارگریزی‌ها به ساخت‌های نازیبایی منجر می‌شود که نمی‌توان آن‌ها را ابداع ادبی ناآشنای زیبا به حساب آورد. فراهنجاری انواع گوناگونی دارد. چون: آوایی، باستان‌گرایی سبکی، گویشی، معنایی، دستوری، نوشتاری و واژگان (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۲-۵۵).

گریز از هنجارها اگر عالمانه، زیبا و هنجارمند اتفاق بیفتد، گذشته، از شکوفایی، بالندگی و استمرار حیات شعر، به غنای زبان نیز کمک می‌کند (روحانی، ۱۳۸۸: ۶۷). آنچه صفوی به‌عنوان انواع هنجارگریزی برمی‌شمرد، درواقع، برگرفته از نظریات، لیچ است، وی این نوع برجسته‌سازی را در هشت دسته معرفی نمود: ۱- هنجارگریزی واژگانی؛ ۲- هنجارگریزی نحوی؛ ۳- هنجارگریزی آوایی؛ ۴- هنجارگریزی زمانی؛ ۵- هنجارگریزی سبکی؛ ۶- هنجارگریزی گویشی؛ ۷- هنجارگریزی نوشتاری؛ ۸- هنجارگریزی معنایی. نباید هنجارگریزی را با قاعده‌افزایی یکسان دانست؛

هنجارگریزی‌ها از لوازم شعر به حساب می‌آیند و از لحاظ ماهوی از قاعده‌افزایی جدا و متمایر هستند. هنجارگریزی دست به آفرینش شعر می‌زند، درحالی‌که قاعده‌افزایی خلق توازن و نظم حاضر در زبان را برعهده دارد. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. در این پژوهش، به بررسی هنجارگریزی در دو جریان شعر فارسی با تکیه بر اشعار شاعران حجم‌گرا (بیژن الهی) و رمانتیک (حمید مصدق) پرداخته می‌شود و تفاوت‌ها و تشابه‌های سبک شعری آن دو با توجه به مکتب و مشرب فکری آن‌ها تحلیل و بررسی و تبیین هنری آن انجام می‌شود.

نتیجه‌گیری

از موضوع هنجارگریزی نمی‌توان به سادگی گذشت، زیرا گاهی زیبایی بافت و ساختار یک اثر ادبی فقط در گرو به‌کارگیری این هنر است. به‌کارگیری این ترفند نیز بیانگر هنر و توانمندی شاعر است. اشعاری که حمید مصدق و بیژن الهی با بینش شاعرانه، فلسفی، عرفانی و تصویرگرایانه خود درهم تنیده‌اند مصداق همین ادعاست. تحلیل به عمل آمده از اشعار حمید مصدق و بیژن الهی حاکی از آن است که این دو شاعر از هنجارگریزی واژگانی و سبکی بیشترین بهره را در سروده‌های خود برده‌اند. هنجارگریزی واژگانی به‌خصوص در دفتر شعر هر دو شاعر از بسامد و نمود بسیار بالایی برخوردار است اما در اشعار بیژن الهی این نوآوری واژگانی و ترکیب ساخت‌ها و صفت‌ها توأم با آشناسازی مفهومی با استفاده از عناصر خیال، شکل استعمال آن‌ها، به‌کارگیری پارادوکس، متناقض‌نما، نماد، تشبیه، استعاره و... زیبایی چشم‌نوازتری دارد. به‌طور کلی می‌توان هنجارگریزی واژگانی و گویشی در اشعار حمید مصدق را در هفت گروه؛ ۱- واژگان عامیانه؛ ۲- واژگان رایج و محاوره‌ای؛ ۳- کنایه و مثل؛ ۴- تلفظ‌های عامیانه؛ ۵- تلمیح به قصه‌های عامیانه؛ ۶- باورها و رسوم عامیانه؛ ۷- واژگان محلی؛ تقسیم کرد. همچنین از سایر انواع هنجارگریزی‌ها، هنجارگریزی آوایی و هنجارگریزی سبکی با به‌کارگیری واژه‌های محلی و عامیانه و هنجارگریزی زمانی با بهره‌گیری فراوان از اسم و قید و فعل و حرف در اشعار حمید مصدق بیشتر به‌کار گرفته شده است. ولی هنجارگریزی نحوی در اشعار این شاعران نمود چندانی ندارد. لذا باید اذعان کرد که هنجارگریزی‌های استعمال شده در سروده‌های این دو شاعر، نه تنها باعث نارسایی کلام نشده بلکه در اغلب موارد، زیبایی و برجستگی شعر ایشان رهاورد آن‌هاست.

منابع و مآخذ:

ابومحbob، احمد. (۱۳۸۰). زندگی و شعر حمید مصدق. درهای و هوی باد. تهران: نشر ثالث.

احمدی، احمدرضا. (۱۳۷۱). همه آن سال‌ها. تهران: نشر مرکز.

----- (۱۳۸۳). (شهریور و مهر). گفت‌وگو با: مجله عصر پنجشنبه، شماره ۷۹/۸۰

اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۴). گزینه اشعار مهدی اخوان ثالث. ج ۸، تهران: مروارید.

افراشی، آریتا. (۱۳۸۸). ساخت زبان فارسی. ج ۴، تهران: سمت.

الهی، بیژن. (۱۳۹۳). بهانه‌های مانوس. تهران: انتشارات بیدگل.

----- (۱۳۹۳). جوانی‌ها. تهران: انتشارات بیدگل.

----- (۱۳۹۳). دیدن. تهران: انتشارات بیدگل.

- انزایی نژاد، رضا و منصور، ثروت. (۱۳۶۶). فرهنگ معاصر. تهران: امیرکبیر.
- انوری، حسن. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی. تهران، فاطمی.
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۷). دستور زبان فارسی ۲. ویرایش دوم. چ ۱۶. تهران: فاطمی.
- باقری، مه‌ری. (۱۳۸۵). مقدمات زبان‌شناسی. چ ۹، تهران: قطره.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). سفر درمه (تأملی در شعر احمد شاملو). تهران: نگاه، چاپ جدید.
- حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۳). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: نشر ثالث.
- حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۶). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. چ ۲، تهران: ثالث.
- خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۸۹). دستور زبان فارسی، چ ۱۵، تبریز: ستوده.
- درویش‌ن، علی‌اشرف و خندان (مهابادی)، رضا. (۱۳۸۵). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. ج ۷، چ ۲، تهران: کتاب و فرهنگ.
- دزفولیان، کاظم؛ عباسی، علی. (۱۳۸۴). «بهبود زبان فارسی از منظر ادبی». پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۲۶، ۷۲-۵۳.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). چرند و پرند. تهران: انتشارات عطار.
- روحانی، مسعود؛ عنایتی قادی‌کلایی، محمد. (۱۳۸۹). «کارکرد واج‌آرایی و تکرار در موسیقی شعر احمد شاملو». فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۲۸، ۴۱-۶۰.
- شاملو، احمد. (۱۳۷۲). در باره هنر و ادبیات، گفت و شنودی با احمد شاملو. به کوشش ناصر حریری. چاپ سوم. بابل: نشر آویشن و نشر گوه‌رزاد.
- شاملو، احمد. (۱۳۷۶). همچون کوچه‌ای بی‌انتهای. چاپ چهارم. تهران: نگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). بیان. چ ۶، تهران: فردوس.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۳). از زبان‌شناسی به ادبیات. ج ۲، چ ۲، تهران: سوره‌ی مهر.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی (پنج استاد). به کوشش امیر اشرف الکتابی، تهران: سازمان انتشارات اشرفی‌واژه.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. (۱۳۷۳). متن کامل دو جلد در یک جلد دستور زبان فارسی (پنج استاد). چ ۱۱، تهران: جهان دانش.
- کولیوررایس، کلارا. (۱۳۶۶). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. ترجمه: اسدالله آزاد، بی‌جا: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- مصدق، حمید. (۱۳۴۳). آبی، خاکستری، سیاه، گزیده اشعار. تهران: کتابیار.

- (۱۳۵۸). از جدایی‌ها. تهران: نشر کانون.
- (۱۳۶۹). تا رهایی (منظومه‌ها و شعرها). چ ۱۲، تهران: زریاب.
- (۱۳۸۲). شیر سرخ (مجموعه شعر)، تهران: زریاب.
- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۹۰). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر. مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ چهارم، تهران: آگه.
- مصطفوی، نداسادات؛ نصرافهانی، محمدرضا؛ ناقلی، مریم. (۱۳۹۴). «زبان و فرهنگ عامیانه در اشعار حمید مصدق». مجله فنون ادبی، دوره ۷، شماره ۲، ۱۲۹-۱۲۶.
- مظفری، سولماز. (۱۳۹۲). «واکاوی هنجارگریزی در دستور زبان عشق». مجله آموزشی رشد، ۴۸-۵۵.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). فرهنگ عامیانه فارسی. ج ۱، تهران: نیلوفر.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۵). فرهنگ نام‌آوایی فارسی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ولک، نه. (۱۳۷۳). تاریخ نقد جدید. مترجم: سعید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.
- یوشیج، نیما (۱۳۶۳). حرف‌های همسایه. چاپ پنجم: تهران: دنیا.